

آمد علیه و سلم عثمان نظر کرد پس گفت خدای تعالی چه است که با
 بر عثمان که شنیدند شهادت و علی و زبیر رضی الله عندهما نظر کرد و گفت
 شما با یکدیگر مقاتله خواهید کرد و تو ای زبیر ظالم خواهی بود و بعد از آن
 بطرف نظر کرد و گفت خدای تعالی حجت مکناد بر قاتل وی **و از آن وقت**
است که عایشه رضی الله عنها گفته است که روزی رسول
 صلی الله علیه و سلم فرمود که میخواهم که بعضی اصحاب من اینجا باشند تا با
 بعضی امور را بگویم گفتند یا رسول الله ابو بکر را اینجا نمیکنی گفتند که او را
 نمیخواهد گفتند که او را هم میگویند گفتند که او را هم میگویند گفتند که او را
 این هم تو علی را اینجا هم نمیکنی گفتند که او را هم میگویند گفتند که او را
 بخوانم گفت بخوان و بر این خوانند آمد و پیش رسول صلی الله علیه و سلم
 بایستاد رسول صلی الله علیه و سلم با وی چیزی میگفت و رنگ وی
 متغیر می شد و باز با وی چیزی میگفت و رنگ وی متغیر می شد
 در آن روز که عثمان را از در روی محاصره کرده بودند و بر آن گفتند
 که مقاتله میکنی گفت با من رسول صلی الله علیه و سلم عهدی کرده است
 و سختی گفته نمی بر من بلکه صابرم عایشه رضی الله عنها گفته است که گمان

مردم جهان بود که رسول صلی الله علیه و سلم و بر ازان خبر کرده بود
و از آن وقت که عمار را سیر رضی الله عنه گفته است که رسول صلی
 الله علیه و سلم با امیر المؤمنین علی رضی الله عنه گفت ای عاصی خبر کنتم
 بر ازان بدیخت ترین مردمان عاقبت ما قه صلا هم است و آن کسی
 که شمشیر بر سر تو زنند و ازان محاسن تو رنگین کند **و از آن وقت**
است که ابوالاسود دینلی گفته است که از امیر المؤمنین علی رضی الله
 عنه شنیدم که گفت روزی که از مدینه بیرون می آمدم رسول صلی
 بن سلام آمد در وقتی که بای در رکاب کرده بودم پس گفت کجا
 میروی گفت بعراق گفت آگاه باش که اگر تو بعراق روی
 آید تو سر شمشیر برسد بعد از آن سوگند خورد که من این را از
 رسول صلی الله علیه و سلم شنیده ام که می گفت **و از آن وقت**
 که امیر المؤمنین علی رضی الله عنه در بیخ می نشستند و بر آن گفتند چرا
 اینجا ایستاده اگر اهل تو اینجا برسد ترا انواب اینجا کار سازی
 خواهند کرد چرا ایستاده روی که اگر اهل تو برسد برادران تو کار سازی
 خواهند کرد و تو نماز کن از نماز امیر المؤمنین علی رضی الله عنه گفت

مردم جهان بود